

تابعیت مضاعف

تالیف

آریا عزیزی

www.ketab.ir

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

سرشناسه	:	عزیزی، آریا، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	تابعیت مضاعف/ تالیف آریا عزیزی.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۳۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۱۰-۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	تابعیت مضاعف
موضوع	:	Dual nationality
موضوع	:	حقوق بین الملل خصوصی — تابعیت
موضوع	:	Conflict of laws -- Citizenship
موضوع	:	تابعیت مضاعف — ایران
موضوع	:	Dual nationality -- Iran
موضوع	:	حقوق بین الملل خصوصی — ایران — تابعیت
موضوع	:	Conflict of laws -- Citizenship -- Iran
رده بندی کنگره	:	۷۱۱/۴۲/۱۳۹۷
رده بندی دیویی	:	۳۴۰.۸۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۵۸۹۰۷۸

انتشارات قانون یار

تابعیت مضاعف

تألیف: آریا عزیزی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۰۱۰-۸

مرکز فروش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
فصل اول.....	۱۵
کلیات.....	۱۵
فصل دوم.....	۴۳
تابعیت، مفاد و خدمت سربازی استراتژی شماره دو.....	۴۳
فصل سوم.....	۱۰۷
توسعه دو تابعیتی تحت حقوق آلمان.....	۱۰۷
منابع و مآخذ.....	۱۲۳

پیشگفتار

تابعیت، اصطلاحی در حقوق بین الملل خصوصی به معنای عضویت فرد در جمعیت تشکیل دهنده دولت. تابعیت در لغت به معنای پیرو و فرمانبردار بودن است و تابع (جمع: تبعه اتباع) کسی است که عضو جمعیت اصلی یک دولت باشد و به کسی که عضو این جمعیت نباشد اگرچه مقیم سرزمین آن دولت باشد بیگانه یا غیرخودی می گویند (سلجوقی ج ۱ ص ۱۴۸-۱۴۹). تابعیت نشان دهنده رابطه سیاسی حقوقی و معنوی هر شخص حقیقی یا حقوقی با دولتی معین است و منشأ حقوق و تکالیف شخص قلمداد می شود. مقصود از دولت شخصیت حقوقی مستقلی است که از چهار عنصر جمعیت و سرزمین و حکومت و حاکمیت مستقل تشکیل شده است و از لحاظ بین المللی دولتهای دیگر آن را به رسمیت شناخته اند (نصیری ص ۲۷ قاضی ج ۱ ص ۱۲۴-۱۷۸). تابعیت رابطه ای سیاسی است زیرا از حاکمیت دولت ناشی می شود و وضع سیاسی فرد را با التزام به وفاداری و اطاعت از قوانین دولت، معین می کند و این التزام به ازای حمایت دولت از فرد است رابطه ای حقوقی است زیرا در نظام بین المللی و داخلی آثار حقوقی دارد رابطه ای معنوی است زیرا اتباع کشور را از نظر هدفهای مشترک به یک دولت پیوند می دهد و ارتباطی به مکان و زمان مشخص ندارد (نصیری ص ۲۶ مدنی ص ۳ ارفع نیاز ج ۱ ص ۴۹-۵۰). منشأ پیدایش تابعیت تعدد دولتهاست. همراه تحول دولت و مفهوم آن در طول تاریخ و به تناسب نوع حاکمیت و جایگاه مردم در دولتها تابعیت نیز تغییر یافته است. دولتها نیز گزینش معیارهای متفاوتی برای تعیین اتباع خود داشته باشند. از معیارهای تابعیت در زمانها و مکانها، مختلف اینها بوده است: بومی بودن پیروی از آیین رسمی اقامتگاه قومیت و اطاعت از حاکم. در قرن جدید و به طور خاص در قرن سیزدهم / نوزدهم با تحول مفهوم دولت و تبیین رابطه دولت و مردم در اروپا معیار عضویت در جمعیت تشکیل دهنده دولت جانشین معیارهای سابق شد (نصیری ص ۹۶-۹۷ مدنی ص ۲۳-۲۴ سلجوقی ج ۱ ص ۵۶-۷۳-۷۶ مسلم ص ۸۱) به این ترتیب تابعیت هر چند نهادی دیرپاست تبیین مفهوم آن و وضع اصطلاحات ملیت یا شهروندی معادل آن در قرون جدید و در غرب صورت گرفته است. در فارسی واژه تابعیت و مشتقات آن تا قرن دوازدهم فقط به معنای لغوی آن به کار می رفت و از مردم ایران حتی در روابط خارجی با عنوان «رعایای ایران» یاد می شد که بیشتر



اصطلاحی بود مربوط به حقوق داخلی و رابطه دولت و مردم بویژه در مفهوم گذشته دولت. اولین بار در فصل منظمه عهدنامه ای در موضوع تابعیت که میان نادرشاه افشار (حک: ۱۱۴۸-۱۱۶۰) و سلطان محمدخان اول عثمانی منعقد گردید واژه تابعیت به معنای اصطلاحی آن به کار رفت و واژه اتباع جانشین واژه رعایا شد. هرچند بعد از آن هم گاه از واژه رعایا استفاده می شد (مرعشی ص ۵ نصیری ص ۵۸). هم اکنون مقررات مربوط به تابعیت ایران در جلد دوم قانون مدنی (ذیل «تابعیت» مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱) ذکر شده و این اصطلاح در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از جمله اصل ۱ و ۲۲) آمده و همچنین به عنوان معادل فارسی واژه nationality در حقوق و سیاست رایج شده است که البته معادل مناسب و دقیقی نیست. بی تناسبی معنای لغوی تابعیت با معنای اصطلاحی آن، ممکن است موجب این گمان شود که تبعیت و فرمانبرداری از عناصر ذاتی تابعیت است در حالی که عیسای از آثار و لوازم تابعیت است نه جزئی از ماهیت آن زیرا فرمانبرداری فقط وظیفه اتباع نیست بلکه بیگانگان نیز وظیفه فرمانبرداری دارند همچنانکه در برابر واژه اتباع اصطلاح «بیگانگان» قرار دارد. نافرمانان. برخی به سبب همین بی تناسبی اصطلاح «ملیت» را به جای تابعیت به کار می برند که ادعا نمی کنند ممکن است موجب این توهم شود که تابعیت صرفاً براساس قومیت افراد است (سلجوقی ج ۱ ص ۱۴۵-۱۴۶ دانش پژوه ج ۱ ص ۳۸ عمید زنجانی ۱۳۶۶ ش ص ۴۶). تابعیت به لحاظ واقعی بود، تقسیم می شود به حقیقی (تابعیت اشخاص حقیقی) و مجازی (تابعیت اشخاص حقوقی و اشیا). تابعیت حقیقی براساس زمان پیدایش دولت به تابعیت تأسیسی و تابعیت استمراری تقسیم می شود. تابعیت تأسیسی با صورت تابعیت حتمی است یا به صورت تابعیت پیشنهادی (مسلم ص ۱۰۲ ۱۵۶ وکیل ص ۷۴) تابعیت استمراری نیز دو نوع دارد: تابعیت اصلی (تولدیه مبدأ) و تابعیت اکتسابی (غیرتولدیه انشائی). تابعیت اکتسابی خود به چهار صورت ظاهر می شود: تحصیلی (در نتیجه اراده فرد متقاضی) تبعی (در نتیجه اراده فردی دیگر) تحقق (در نتیجه ازدواج) و اجباری (در نتیجه تحمیل دولت بر فرد نصیری ص ۳۰-۳۳). همچنین تابعیت به لحاظ درجه برخورداری از حقوق و تعهد فرد نسبت به وظایف مبتنی بر تابعیت به دو دسته تقسیم می شود: تابعیت عالی یا درجه یک و تابعیت عادی یا درجه دو بی آنکه صریحاً بدین نامها خوانده شود (رجوع کنید به ادامه مقاله). شهروندی فقط به تابعیت عالی اطلاق

می شود و شهروند به کسی می گویند که بیشترین امتیازات و تعهدات را داشته باشد. معمولاً اکثر اتباع دولت شهروند هستند و اتباع عادی در اقلیت اند. مبنای تقسیم اتباع به شهروند و غیر شهروند در کشورها متفاوت است اما منطقی شهروندی براساس استحکام بیشتر رابطه فرد و دولت و عضویت فرد در جمعیت تشکیل دهنده دولت است. یکی از بارزترین مصادیق این مبنا اصلی یا اکتسابی بودن تابعیت است. اتباع اصلی که معمولاً اکثر جمعیت دولت را تشکیل می دهند شهروندان دولت محسوب می شوند اما اتباع اکتسابی اتباع عادی به شمار می آیند و در نتیجه ممکن است از بسیاری حقوق مهم به طور موقت یا دائم محروم باشند (مستفاد از ماده ۹۸۲ قانون مدنی ایران، ضمیمه ۱۴/۸/۱۳۷۰). براساس نقش اراده فرد و دولت در ایجاد رابطه تابعیت در این باره که به لحاظ حقوقی رابطه تابعیت از نوع ایقاع است یا عقد لازم الطرفین یا عقد جایز الطرفین یا عقد مختلط آرای مختلفی هست. جوع کنید به سلجوقی ج ۱ ص ۸۲-۸۳ ۱۵۷ ارفع نیاج ج ۱ ص ۵۰ عامری ص ۲۵۲۴ مسلم ص ۸۱-۸۲ و کیل ص ۳۷). با توجه به انواع تابعیت روشن می شود که این آرا با فرض صحت تنها نسب به ساختاری از تابعیت اکتسابی صادق است اما هیچکدام بیانگر ماهیت تابعیت اصلی نیست. تابعیت اصلی صفتی است که مفهوم اعتباری نیست که از ایقاع یا عقدی که حاصل اراده یک یا هر دو طرف رابطه تابعیت است ناشی شده باشد بلکه مفهومی است انتزاعی که نتیجه واقعیتهای عینی و زیستی و اجتماعی (نسب زاده، گاه اقامتگاه) است و این واقعیتهای صورت طبیعی و قهری خارج از اراده مستقیم فرد یا دولت متعلق به او پیدا می آید (دانش پژوه ج ۱ ص ۴۹). دولتها در وضع قواعد تابعیت و تعیین تابعیت افراد آزادند. واقعیتهای عینی و مصالح سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و نیز اصول بین المللی حاکم بر تابعیت - که در اسناد مختلف بین المللی آمده و دولتها موظف به رعایت آن اند - آنها را محدود می سازد (نصیری ص ۲۸-۲۹ ۴۷ ۴۸-۴۹ ۵۳ ۶۸ ۶۹ ۷۴ مسلم ص ۹۴-۹۸). این اصول عبارت اند از: ۱) ضرورت تابعیت و نفی بی تابعیتی. دولتها باید به گونه ای در زمینه تابعیت قانونگذاری کنند که فرد به محض تولد دارای تابعیت دولتی شود و هیچگاه فاقد تابعیت نگردد برای این منظور دولتها برحسب شرایط و مصالح خود با استناد به نسب یا زادگاه یا احوال اقامتگاه یا به صورت مختلط تابعیت افراد را در هنگام تولد تعیین می کنند. ۲) ضرورت وحدت تابعیت. دولتها باید به گونه ای قانونگذاری کنند که هر فرد

تنها دارای یک تابعیت باشد. ۳) تغییرپذیری تابعیت. بر اثر اراده فرد یا به سبب عواملی چون ازدواج و تغییر تابعیت والدین فرد می‌تواند ضوابط قانونی تابعیت دولتی را ترک کند و تابعیت دولت دیگری را به دست آورد. ۴) ممنوعیت سلب تابعیت. در گذشته مواردی از سلب تابعیت در نتیجه پناهندگی یا به عنوان مجازات برخی جرایم وجود داشت اما امروزه سلب تابعیت از جانب دولت ممنوع است (مدنی ص ۶۲-۶۳ نصیری ص ۳۸-۴۰ ارفع نیا ج ۱ ص ۵۳-۵۵). تابعیت در اسلام. به رغم نو بودن اصطلاح و تبیین مفهوم تابعیت و طرح نشدن صریح عنوانی معادل تابعیت در آثار فقهی و اعلام نسخ ادیان غیراسلام در نظام حقوقی و سیاسی اسلام نهاد تابعیت پیش بینی شده است. رجوع کنند به ضیائی ییگدلی ص ۷۷ عمید زنجانی ۱۳۷۷ ش ج ۳ ص ۳۵۶-۳۵۷ به نقل از برنارد لوئیس مجید حدوری جعفری تبریزی ص ۴۵۹-۴۶۰ چنانکه اصطلاح «دارالاسلام حکمی» در آثار فقهی تا حدود بسیار زیاد به معنای تابعیت اصطلاحی به کار رفته است (زیدان ص ۵۳۱). اولین دولت اسلامی با جرت پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم به مدینه شکل گرفت. پیامبر اکرم با پیمان مدینه (رجوع کنید به ان هاشم ج ۱ ص ۳۵۱-۳۵۴) جمعیت دولت خویش را مشخص کرد مسلمانان (به طور طبیعی براساس ایمان دینی خود با خداوند) و یهودیان (براساس پیمان سیاسی با پیامبر اکرم) اعضای اولیه جمعیت شدند. با فتح مکه و برخی سرزمینهای دیگر و مسلمان شدن مردم آن سرزمینها جمعیت مسلمان دولت اسلامی افزایش یافت و با نزول سوره توبه و تشریع پیمان ذمه عضویت پیمانی در دولت اسلامی افزون بر یهودیان مدینه سایر اهل کتاب را نیز شامل شد. به این ترتیب با تأسیس دولت اسلامی در مدینه نهاد تابعیت نیز وجود آمد. این تابعیت بر یکی از دو معیار ایمان یا پیمان استوار بود (دانش پژوه ج ۱ ص ۸۱) در سراسر دورانی که حکومتهای متعدد و هم زمان در قلمرو وسیع جهان اسلام ظهور یافتند این دو معیار معتبر ماند به گونه‌ای که هم مسلمان و هم ذمی در جهان اسلام خودی محسوب می‌شدند. تعیین خودی و بیگانه براساس یکی از این معیارها و فارغ از هر عامل دیگری تا چند قرن بعد ادامه یافت مثلاً در حقوق دولت عثمانی مقرر شده بود که هر مسلمانی به محض ورود به قلمرو عثمانی از همه حقوق شهروندی برخوردار گردد (خلیلیان ص ۱۳۹ پانویس). از ۱۸۶۹/۱۲۸۶ (مسلم ص ۱۴۱) و تحت تأثیر حقوق اروپایی در قلمرو عثمانی مفهوم تابعیت از ملاحظات مذهبی جدا شد و قوانین تابعیت

بر اساس معیارهای زادگاه و اقامتگاه و بر مبنای قومیت شکل گرفت (نصیری ص ۵۸). از آنجا که تابعیت منشا حقوق و تکالیف فرد در برابر کشور متبوع است از یک طرف، برخورداری از حقوق و مزایای همزمان از دو دولت می تواند هم غیر عادلانه و هم به مصالح ملی دولتهای متبوع خدشه وارد نماید و از طرف دیگر بسیار دشوار است که شخص بتواند تمام تکالیف خود را نسبت به دو دولت ایفا نماید و خصوصاً اگر فرد بتواند در بحث انجام خدمت وظیفه، مشاغل مهم کشوری و لشگری را در هر دو کشور احراز کند، مشکلاتی بوجود می آید. بنابراین هر چند مسئله تابعیت مضاعف که یک رابطه متقابل بین فرد و دولت است ممکن است جذاب باشد و به افراد حق بهره مندی از حقوق و مزایای دو یا چند دولت اعطا نماید، اما واقعیت این است که مسئله تابعیت مضاعف باعث ایجاد مشکلات در سطح بین المللی می گردد (مثلاً موضوع در یک دعوی بین المللی که منجر به ایجاد این کتاب به قانون و امکان سواستفاده تبعه از قانون کشورها می شود). علاوه بر این چون پدید تابعت مضاعف مرزهای جغرافیایی کشورها را در نوردیده، برخلاف گذشته تا حدود زیادی مورد حمایت است. بین المللی حقوق بشر نیز می باشد. ایران بعنوان یکی از کشورهایی که پناهنده پذیر است و انترنرفی هم یکی از کشورهای مهاجرفرست دنیا می باشد که حدود ۵ میلیون نفر از ایرانیان خارج از کشور می باشند و به همین دلیل با مزایا و مضرات پدیده دو تابعیتی روبرو است. (ایران پدیده تابعیت مضاعف را نیز پذیرفته اما در قانون تصریح نشده و قانون ساکت است و باید قانونگذار به این مسئله بپردازد که مشکلاتی هم چون جریان خاوری که دارای پست مهمی بود به افراد دو تابعیتی داده نشود.) ایران، زیادت زیادی برای اتباع بیگانه که با اتباع ایرانی ازدواج می کنند اعطا می نماید. بنابر برآوردهای سازمان ملل امروزه بیش از ۱۸۵ میلیون نفر خارج از سرزمین مادری خود زندگی می کنند که در حال افزایش اند و هم چنین بخاطر ارتقا سطح اقتصاد ملی کشورهای مهاجرفرست و رشد اقتصاد جهانی و عوامل دیگری که در بالا برشمردیم این پدیده بسیار بحث برانگیز شده است.

فروضیات و سوالات مطروحه در این اثر علمی

در این کتاب ۳ فرضیه و سوال را مطرح می کنیم:

۱) حقوق و تکالیف شهروندان دارای تابعیت مضاعف هم از لحاظ مفهومی دچار تحول به نفع افراد دارای تابعیت دو گانه شده است.

۲) همکاری بین المللی میان کشورهای جهان متناسب با رشد پدیده دو و چند تابعیتی مشکل و پیچیده تر می شود.

۳) مدیریت صحیح پدیده چند تابعیتی می تواند باعث ارتقا همکاری های بین المللی گردد.

که در ادامه به بررسی سؤالاتی می پردازیم که بحث تابعیت مضاعف ایجاد کرده است:

۱) چه - فوق - وظایفی برای شهروندان دارای تابعیت مضاعف ایجاد می شود؟

۲) چگونه تابعیت مضاعف افزایش می یابد و آیا ابزارهایی برای کنترل آن وجود دارد و نگرانی

ها در خصوص تابعیت مضاعف چیست؟

۳) راهکارهایی برای ترمیمی که منجر به افزایش مقبولیت تابعیت دو گانه شده چیست؟

۴) مشکلات عمده و اساسی بحث تابعیت مضاعف چه می تواند باشد ؟ آیا تابعیت مضاعف

منافعی هم به همراه دارد؟